

Administrative detention of the media in Iranian law in the light of the opinions and performance of the Press and News Agency Supervisory Board.

Ghodratolah Rahmani¹, Hamed Ahmadvand²

1. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, gh.rahmani@atu.ac.ir

2. Master of Communication Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (corresponding author) jadghhamed@gmail.com

Date Received 2021/12/23

Date of Release 2022/04/28

Abstract

Confiscation of the media is an exception to the principle of media freedom, and in normal legal systems, this exception is only within the jurisdiction of judicial authorities, which occurs in a minimal way and with full compliance with the principle of freedom of media expression. In Iran's legal system, in addition to the jurisdiction of the judicial authorities in confiscating the media, the administrative authority (the supervisory board for the press and news agencies and internet sites) has discretionary authority to confiscate the press and media, which increases the number of cases of confiscation of the media. It follows that it is against the principle of freedom of speech and media. The present research has tried to answer the question of the legal system governing the administrative (non-judicial) seizure of the media in Iran through the content analysis of the opinions related to the seizure of the press issued by the press supervision board during the last decade by applying the qualitative research method. What impact has it had on the freedom of the press and the media that the results of the investigation indicate the indiscriminate use of the supervisory board's authority to seize the media according to Article 12 of the Law of the Press and News Agencies - contrary to the principle of freedom of speech and the press.

Key words: Press and News Agency Supervisory Board, Press/Media Seizure, Press/Media Freedom

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

فصلنامه حقوق اداری
سال نهم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۳۱
مقاله علمی پژوهشی

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت
بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها

قدرت‌الله رحمانی^۱؛ حامد احمدوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

تایخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

چکیده

توقیف رسانه، استثنائی بر اصل آزادی رسانه است و در نظام‌های حقوقی بهنجار این استثناء غالباً در صلاحیت مراجع قضایی است که به صورت حداقلی و با رعایت کامل اصل آزادی بیان و رسانه رخ می‌دهد. در نظام حقوقی ایران اما افزون بر صلاحیت مراجع قضایی در توقیف رسانه، مرجع اداری (هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اینترنتی) دارای صلاحیت تخییری در توقیف مطبوعات و رسانه‌ها است و این امر توسعه مصادیق توقیف رسانه‌ها را در پی دارد که به خودی خود خلاف اصل آزادی بیان و رسانه می‌باشد. پژوهش پیش رو کوشیده است تا با کاربست روش تحقیق کیفی، از مجرای تحلیل محتوای آراء مربوط به توقیف مطبوعات صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات طی یک دهه گذشته به این پرسش پاسخ دهد که نظام حقوقی حاکم بر توقیف اداری (غیرقضایی) رسانه در ایران چه تاثیری بر آزادی مطبوعات و رسانه گذاشته است که نتایج تحقیق از استفاده بی‌رویه هیات نظارت از اختیار توقیف رسانه به موجب ماده ۱۲ قانون مطبوعات و خبرگزاری‌ها، بر خلاف اصل آزادی بیان و مطبوعات حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها، توقیف مطبوعات/رسانه‌ها، آزادی مطبوعات/رسانه

۱. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (gh.rahmani@atu.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

(jadghamed@gmail.com)

مقدمه

اصل انتشار آزادانه مطبوعات/ رسانه‌ها ایجاب می‌کند فعالیت نشریات و رسانه‌ها در معرض تهدید و تجاوز مقامات سیاسی و اداری حکومتی قرار نگیرد و از توقیف و تعطیلی خودسرانه مصون باشند. از این رو، اصل ممنوعیت توقیف و تعطیل رسانه‌ها در قوانین اساسی و یا دست کم در قوانین عادی عموم کشورها پیش بینی شده است (معتمدنژاد، ۱۳۷۹: ۲۲۵). آزادی بیان و مطبوعات (موضوع اصل ۲۴ اساسی) به عنوان یکی از ارکان چهارگانه دموکراسی، از اهمیتی ویژه در ساختار نظام سیاسی و حقوقی حکومت‌ها برخوردار است آن چنان که آن را شرط لازم برای زمامداری درست و عادلانه و توسعه اجتماعی کارآمد دانسته‌اند (میادورنارت، ۱۳۸۰، ۱۱۶). هم چنین برخی حقوقدانان، آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی را برای انتشار و دسترسی به اطلاعات به عنوان بخشی از آزادی‌های سیاسی و ابزار نظام مردم در دولت (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۵۷) و برخی دیگر آزادی مذکور برای رسانه‌ها را جزء آزادی‌های فردی تلقی کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۶۸). میان آزادی بیان و عقیده و حق دسترسی به اطلاعات، رابطه بسیار وثیقی برقرار است. در دسته‌بندی‌های حقوق بشر، حق وصول به حقایق و اخبار و اطلاعات را زیرمجموعه حق آزادی فکر، عقیده و بیان در معنای عام آن می‌آورند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰: ۹۹). از این رو می‌توان گفت آزادی مطبوعات ارتباط مستقیم با آزادی بیان دارد و حق دسترسی آزادانه تمامی افراد بشر به اخبار داخلی و خارجی و همچنین انتشار دیدگاه‌ها و نظرات فردی در زمینه تحولات بین‌المللی، اتفاقات داخلی، از حقوق اساسی انسانی در جوامع آزاد محسوب می‌شود (انصاری، ۱۳۸۷: ۴۸) آزادی مطبوعات و رسانه به دو صورت عام و خاص قابل تعریف و تقسیم است. آزادی در مفهوم عام به معنای جستجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتشار آزادانه آن از طریق انواع مطبوعات کاغذی و رسانه‌های جدید الکترونیکی و از یک سو و دسترسی و مطالعه آزادانه آن برای همگان از سوی دیگر است. اما در معنای خاص، آزادی مطبوعات و رسانه عبارت است از نشر آزاد انواع مطبوعات و رسانه‌های الکترونیکی بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، مصونیت از توقیف، حین و پس از انتشار، همراه با پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آنها در دادگاه‌های دادگستری است (معتمد نژاد، ۱۳۷۷: ۲۳). با این وجود، نظام‌های حقوقی مختلف معمولاً به‌طور محدود، تحت شرایطی خاص و به‌نحوی استثنایی و غالباً از طریق مراجع ذی صلاح قضایی (و ندرتاً اداری) اجازه توقیف یا تعطیلی رسانه را پیش‌بینی کرده‌اند. اما در رژیم حقوقی حاکم بر مطبوعات و رسانه‌ها در ایران، علاوه بر توقیف قضایی مطبوعات که توسط مراجع قضایی و با توجه به اصول و شرایط و ضوابط خاص خود صورت می‌گیرد، قانونگذار در قانون مطبوعات نهادی غیرقضایی با عنوان هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها پیش‌بینی کرده است که علاوه بر صلاحیت تعطیل دائمی (لغو مجوز انتشار) نشریه/ رسانه، واجد صلاحیت تخییری در توقیف فوری

رسانه‌ها است؛ به این معنی که در صورت وجود شرایط لازم و کافی مذکور در قانون مطبوعات، این هیات می‌تواند اقدام به توقیف نشریات و مطبوعات و نیز رسانه‌های منتشره در بستر اینترنت نماید که این امر به خودی خود به منزله توسعه قلمرو محدودیت‌ها بر آزادی مطبوعات و رسانه است. پژوهش پیش رو تلاش کرده است تا با کاربری روش تحقیق کیفی، از مجرای تحلیل محتوای آراء صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات دایر بر توقیف فوری مطبوعات و رسانه‌ها طی بازه زمانی یک دهه اخیر، به این پرسش پاسخ دهد که نظام حقوقی حاکم بر توقیف اداری (غیرقضایی) رسانه در ایران چه تاثیری بر آزادی مطبوعات و رسانه گذاشته است. چارچوب تحقیق، محدود به موضوع توقیف فوری مطبوعات/ رسانه‌ها است و تعطیلی دائمی (لغو اجازه انتشار) را دربر نمی‌گیرد. توقیف مطبوعات در حقوق موضوعه ایران تاکنون دست مایه پژوهش‌های متنوع و متعددی قرار گرفته است و آثار چندی بطور مستقل یا در ضمن موضوعاتی دیگر به آن پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های مختلفی در این زمینه هم چون نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران (محمدابراهیم انصاری لاری)، حقوق مطبوعات و نیز حقوق ارتباطات (کاظم معتمدنژاد)، حقوق رسانه (باقر انصاری)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر (منوچهر طباطبائی مومنی) و محدوده آزادی مطبوعات در پرتو اصل بیست و چهارم قانون اساسی (محمد امین ابریشمی راد) اشاره کرد. گرچه این تالیفات و نیز پاره‌ای مقالات منتشره در این زمینه عموماً به موضوع توقیف مطبوعات در حقوق ایران به نحوی کلی و با استناد به مقررات و قوانین موضوعه توجه کرده‌اند، اما وجه تمایز پژوهش حاضر از تحقیقات مذکور، تمرکز و تاکید خاص بر توقیف غیر قضایی و آثار آن بر تحدید آزادی رسانه است و ویژگی اصلی تحقیق، بررسی عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها به مثابه مرجع اصلی توقیف غیرقضایی رسانه از طریق جمع‌آوری و تحلیل محتوای آراء صادره از سوی این نهاد است که پیش‌تر چنین مطالعه‌ای سابقه ندارد. ضمن آن که همین جمع‌آوری آراء صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها طی دهه اخیر، مهم‌ترین مشکل در مسیر پژوهش حاضر بوده، از آن روی که جلب همکاری و همراهی دبیرخانه هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها به عنوان تنها مرجع رسمی و معتبری که می‌توانست آمار و اطلاعات دقیق و غیرقابل خدشه‌ای در اختیار پژوهندگان این تحقیق قرار دهد به دشواری میسر شد و در عین حال، جستجوی پژوهشگران این پژوهش در سایر منابع نشان داد که حتی آمار و اطلاعات مرجع رسمی مذکور در باره موارد توقیف مطبوعات/ رسانه‌ها در طی دهه اخیر، چندان دقیق نبوده و در فهرست موارد توقیف مطبوعات/ رسانه‌ها در دبیرخانه هیات نظارت، دست کم دو مورد از قلم افتاده است.

۱. مفهوم و انواع توقیف مطبوعات/ رسانه

اگرچه اصل بر انتشار آزادانه مطبوعات/ رسانه و ممنوعیت توقیف یا تعطیلی آن‌ها است (معمد نژاد، ۱۳۸۸، ۸۸). لیکن میان دو وضعیت توقیف یا تعطیلی غیرقانونی (خودسرانه) و قانونی باید تفاوت گذاشت؛ از آن روی که در قوانین کشورها، برای موارد خاصی که حفظ مصالح عمومی و منافع جامعه اقتضا می‌کند، جلوگیری از انتشار نشریات و توقف اجباری فعالیت رسانه‌ها به نحو استثنایی پیش‌بینی شده است که به موجب آن برخی مقامات غالباً قضایی، دارای صلاحیت محدودی در توقیف و جلوگیری از انتشار نشریه/رسانه هستند (معمد نژاد، ۱۳۷۹: ۲۲۵).

۱-۱. تعریف توقیف مطبوعات/ رسانه

به‌طور کلی و در معنای عام کلمه، توقیف نشریه/ رسانه عبارت از توقف اجباری فعالیت نشریه/ رسانه و جلوگیری از انتشار آن است که عمدتاً در دو شکل موقت و دائمی صورت می‌گیرد؛ توقیف موقت که نوعاً جنبه فوری دارد و به کارگیری آن معمولاً با استناد به وضعیت اضطراری توجیه می‌شود، برای پیشگیری از تشدید وضعیتی استفاده می‌شود که در اثر انتشار محتوای مجرمانه ایجاد شده است. در این معنا، توقیف عبارت است از توقف فوری فعالیت رسانه در شکل جلوگیری از چاپ نشریات و یا جمع‌آوری نسخ آن در چاپخانه و مراکز توزیع و نیز مسدودسازی پایگاه‌های رسانه‌ای منتشره در بستر اینترنت و محیط دیجیتال. توقیف دائمی نیز عبارت از تعطیلی و پایان اجباری فعالیت رسانه است که در شکل لغو اجازه نامه انتشار نشریه و یا مسدودسازی دائمی پایگاه اینترنتی از طریق قطع ارائه خدمات ارتباطی انجام می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۱: ۸۹).

۱-۲. انواع توقیف رسانه

اختیار توقیف و تعطیل نشریات/ رسانه‌ها در مواردی که انتشار آنها با محدودیت‌های قانونی آزادی مطبوعات برخورد می‌کند اصولاً به مراجع صالحه دادگستری واگذار می‌گردد، لیکن برای برخی موارد بسیار محدود و به‌طور استثنایی، به مقام‌های اداری مسئول نظم عمومی نظیر وزیر کشور، استاندار، فرماندار، شهردار و یا فرمانده پلیس نیز چنین اختیاری داده می‌شود. از همین رو در حقوق مطبوعات و رسانه، دو نوع توقیف قضایی^۱ و توقیف اداری^۲ قابل تفکیک است.

۱-۲-۱. توقیف قضایی: نشریات و رسانه‌ها در صورت ارتکاب برخی جرائم ممکن است به موجب قوانین، پیش از شروع به هرگونه تعقیب قضایی و یا در حین تعقیب و رسیدگی قضایی، از سوی مقام ذیصلاح قضایی توقیف شوند (رحمانی، ۱۳۹۱: ۹۷). توقیف قضایی مطبوعات/رسانه‌ها نوعاً

1. Judicial seizure
2. Administrative seizure

در مورد جرائم پیش‌بینی شده در قوانین خاص مطبوعات/ رسانه‌ها مطرح می‌شود که بر اساس آن، نشریات یا رسانه‌های متهم به تخلف از آزادی مطبوعات و یا ارتکاب جرائم خاص مطبوعاتی، از سوی مقام قضایی مأمور به رسیدگی، توقیف می‌شوند. در قوانین کشورها (از جمله در قوانین عادی و قانون مطبوعات فرانسه) شرایط، کیفیت و تشریفات مربوط به نحوه توقیف هریک از انواع و اقسام مختلف جرائم مطبوعاتی که ارتکاب آن‌ها می‌تواند سبب توقیف قضایی نشریه/ رسانه شود، بیان گردیده است (معمدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

۲-۱. توقیف اداری: در مورد پاره‌ای از جرائم پیش‌بینی شده در قوانین عام که امکان ارتکاب آن از ناحیه مطبوعات و غیر مطبوعات وجود دارد و از این رو جرائم خاص مطبوعاتی محسوب نمی‌شود، ممکن است پیش از ورود مقام قضایی و شروع به تعقیب، از طریق مداخله مقامات اداری (نظیر وزیر کشور، استانداران، فرمانداران و مسئولان انتظامی) به موجب اختیار اعطا شده از سوی قانون و به جهاتی از قبیل تهدید جدی و قریب‌الوقوع نظم عمومی، نشریه/ رسانه متهم به ارتکاب جرم، توقیف شود (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۲۳۰).

۳-۱. توقیف رسانه در حقوق کنونی ایران

نظام حقوقی کنونی حاکم بر مطبوعات/ رسانه‌ها در ایران، هردونوع توقیف قضایی و اداری نشریات/ رسانه‌ها را در هر دو وضعیت ناشی از نقض قوانین از سوی رسانه‌ها (در موارد توقیف صنفی/شکلی) و یا به منظور رعایت مصالح عمومی و پیشگیری از آفات و آسیب‌های ناشی از ارتکاب جرائم مطبوعاتی (در موارد توقیف محتوایی/ماهوی) در عناوین متعدد و گسترده‌ای پیش‌بینی کرده است.

توقیف قضایی (صنفی/شکلی) به سبب نقض قوانین از طریق ارتکاب تخلفاتی هم چون "تقلید از نام یا علامت نشریه/ رسانه دیگر در انتشار" و هم چنین "انتشار نشریه/ رسانه با نام و علامت و شکل یک نشریه/ رسانه توقیف شده" و توقیف قضایی (محتوایی/ماهوی) نیز به دوصورت "توقیف نشریه/ رسانه برای مدت معین" به علت امتناع نشریه/ رسانه از درج یا انتشار جوابیه شاکی و "توقیف یک شماره معین از نشریه و عنداللزوم توقیف تا زمان صدور رأی دادگاه" به علت انتشار و تکرار انتشار مطلب در موضوع شکایت از سوی نشریه/ رسانه مورد شکایت، در مرحله تعقیب و رسیدگی قضایی به ترتیب در مواد ۳۳، تبصره ۳ ماده ۲۳ و تبصره ماده ۳۱ قانون مطبوعات فعلی (مصوب اسفند ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن) پیش‌بینی شده است.

در همین قانون، توقیف اداری (صنفی/شکلی) نشریه/ رسانه درباره اغلب جرائم و تخلفات موضوع ماده ۷ و امکان توقیف اداری (محتوایی/ماهوی) در صورت ارتکاب جرائم مطبوعاتی ناشی از انتشار محتواهای مجرمانه (موضوع ماده ۶) نیز پیش‌بینی شده و مورد حکم قرار گرفته که موضوع اصلی پژوهش حاضر است.

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۰۳

۲. هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها؛ یگانه مرجع توقیف اداری مطبوعات/رسانه‌ها در ایران

بر اساس ماده ۱۲ قانون مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را راساً یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها، ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به‌طور مستقیم و یا از طریق هیات نظارت، مراتب را جهت پیگیری قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید. بر اساس این ماده، تعقیب ابتدایی رسانه‌های متخلف و خاطی از حیث ارتکاب تخلفات و جرائم مطبوعاتی، بر عهده هیات نظارت بر مطبوعات قرار داده شده است. از سویی بر اساس ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، این وظیفه بر عهده دادستان نیز قرار داده شده است و در عمل نیز تعقیب جرائم مطبوعاتی از هر دو طریق و روش انجام می‌پذیرد.

در تعقیب غیرقضایی یک رسانه متخلف، ابتدا با درخواست حداقل دو نفر از اعضای هیات نظارت ظرف مدت یک ماه تخلف ارتكابی از سوی این هیات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت احراز تخلف تعقیب رسانه صورت گرفته و مراتب جهت اقدامات قانونی به مرجع قضایی صالح گزارش و در اختیار آن مرجع قرار می‌گیرد. گاه نیز ممکن است که رسانه‌ای اقدام به انتشار محتوایی نماید که به طور مثال در آن از ادبیات موهن استفاده شده است که با احراز تخلف، این رسانه تحت تعقیب هیات نظارت قرار می‌گیرد ولی با تذکر فوری هیات نظارت به رسانه متخلف همراه می‌شود. یعنی رسانه منتشر کننده، ضمن اعلام پذیرش تخلف و تعهد به انتشار بیانیه عذرخواهی از عموم مردم و اهالی فرهنگ و رسانه و احیاناً افرادی که مورد اهانت قرار گرفته‌اند، اعلام می‌کند که این مطلب به دلیل خطا و سهل‌انگاری صورت گرفته است و ضمن پذیرش تخلف، متعهد می‌شود که تمام محتوای موجود در سایتی که اقدام به انتشار آن نموده است را مورد بازبینی و بررسی قرار داده و اقدام به حذف موارد متخلفانه نماید. بنابراین در چنین مواردی که تذکر کتبی و فوری هیات نظارت به رسانه متخلف صورت می‌گیرد، ممکن است در پی این تذکر و الزام و تعهد رسانه به حذف موارد تخلف، هیات نظارت از ادامه تعقیب رسانه خاطی به دلیل رفع اثر از تخلفات احتمالی خودداری نموده و تنها به دادن تذکر اکتفا نماید (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۴۸-۱۵۰).

بر اساس تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات، در مورد تخلفات موضوع ماده ۶ به جز بند ۳ و ۴، هیات نظارت می‌تواند نشریه/ رسانه را توقیف نماید و در صورت توقیف، موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید. استدلال می‌شود که این موارد جز صلاحیت و موارد توقیف فوری و اضطراری رسانه‌ها توسط هیات نظارت بر مطبوعات می‌باشد. یعنی به محض وقوع تخلف توسط رسانه‌ها و احراز آن توسط هیات نظارت، این هیات به منظور جلوگیری از نقض قوانین (درموارد توقیف صنفی/شکلی) و یا به منظور رعایت مصالح عمومی و پیشگیری از آفات و

آسیب‌های ناشی از ارتکاب جرائم مطبوعاتی (در موارد توقیف محتوایی/ماهوی)، اقدام به توقیف فوری و اضطراری رسانه می‌کند. در تمام مواردی که هیات نظارت حق توقیف رسانه را دارد و اقدام به توقیف رسانه می‌نماید، باید بعد از توقیف بلافاصله پرونده را به دادگاه ارسال نماید تا تصمیم نهایی نسبت به الغاء امتیاز یا رفع توقیف رسانه اتخاذ شود (رحمانی، ۱۳۹۱: ۸۴). بر اساس بند ب ماده ۳۳ قانون مطبوعات، پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگری به جای نشر توقیف شده به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌گردد که البته این توقیف از نوع قضایی و به حکم مرجع ذیصلاح قضایی خواهد بود.

با امعان نظر در مطالب پیش گفته باید گفت در قانون مطبوعات ایران، هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها، یگانه مرجع رسمی توقیف اداری (غیرقضایی) رسانه و مطبوعات در قانون مطبوعات شناخته شده است که از باب صلاحیت تخییری نسبت به ارتکاب برخی تخلفات از سوی رسانه‌ها و مطبوعات و نشریات می‌تواند اقدام به توقیف آنها نماید. علاوه بر موارد مصرح در قانون مطبوعات، رسانه‌های فضای مجازی که با مجوز هیات نظارت بر مطبوعات شامل قانون مطبوعات می‌شوند نیز، در صورت ارتکاب تخلف، شامل توقیف می‌گردند. چرا که بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱ قانون مطبوعات، نشریات الکترونیکی در سامانه فضای مجازی نیاز به اخذ مجوز از هیات نظارت بر مطبوعات دارند. بر اساس آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، پایگاه‌های اینترنتی نیز باید از هیات نظارت بر مطبوعات مجوز بگیرند و اگر نگیرند، مشمول فیلترینگ یا توقیف شده و ممکن است مسدود گردند. توقیف اداری (غیرقضایی) رسانه در ایران توسط هیات نظارت، از لوازم و پیامدهای نظام پیشگیرانه است که بر اساس آن مطبوعات/رسانه‌ها قبل از فعالیت، نیاز به اخذ مجوز از هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها دارند و بالتبع پس از اخذ مجوز و در اثناء فعالیت نیز تحت نظارت مرجع مذکور قرار می‌گیرند (رحمانی، ۱۳۹۱: ۹۳). توقیف قانونی رسانه در چارچوب صلاحیت هیات نظارت، به دو دسته توقیف شکلی (ناشی از ارتکاب جرائم و تخلفات صنفی) و توقیف ماهوی (ناشی از انتشار محتوای مجرمانه) قابل تقسیم است. اگرچه بیشتر مواد مختلف قانون مطبوعات مشعر به توقیف ماهوی است (مفاد ماده ۶) اما در سه مورد نیز به توقیف شکلی اشاره شده است (مفاد ماده ۷).

۱-۲. توقیف شکلی مطبوعات/رسانه‌ها

در توقیف شکلی مطبوعات بر خلاف توقیف ماهوی که به دلیل آنچه نشریه می‌نویسد یا منتشر می‌کند صورت می‌گیرد، علت توقیف، عدم رعایت قوانین و ارتکاب جرائم یا تخلفات بنگاه یا موسسه رسانه‌ای از مفاد قانون مطبوعات است. یعنی توقیف شکلی به مطالبی که توسط نشریه منتشر

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۰۵

می‌شود مربوط نمی‌شود بلکه به خاطر عدم رعایت ضوابط و اصول و شرایطی است که از جنبه شکلی، مطبوعات/ رسانه‌ها ملزم به رعایت آن می‌باشند.

تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات، به هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها اجازه داده است (اعطای صلاحیت تخییری) در مورد تخلفات موضوع بندهای ب، ج و د ماده ۷ این قانون که راجع است به تخلفات بنگاه یا موسسه رسانه‌ای/ مطبوعاتی از قوانین و مقررات مربوط به تأسیس رسانه و انجام فعالیت‌های رسانه‌ای، اقدام به توقیف رسانه/ نشریه کرده و البته به فوریت و ظرف حداکثر یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به مرجع قضایی ارسال نماید. به این ترتیب، در صورت انتشار نشریه/ رسانه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است مغایر باشد (بندب ماده ۷)، انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به‌طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود (بندج ماده ۷) و نیز انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن (بنده ماده ۷)، هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها عندالزوم می‌تواند (ولی مکلف نیست) نشریه/ رسانه مرتکب را توقیف کند.

بررسی عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه این پژوهش، موردی که نشریه/ رسانه‌ای صرفاً و منحصرأً مستند به مفاد بندهای ب، ج و د ماده ۷ قانون مطبوعات توقیف شکلی شده باشد را نشان نمی‌دهد. در بازه زمانی مورد مطالعه، دو فقره از توقیف‌های صورت گرفته، استناد به مفاد بندهای ماده ۷ (توقیف صنفی/ شکلی) در کنار استناد به مفاد بندهای ۶ (توقیف محتوایی/ ماهوی) به نحو توأمان مطرح شده است؛ نخست پرونده توقیف نشریه ۹ دی است که هیات نظارت بر مطبوعات در کنار استناد به برخی از بندهای ماده ۶ (به علت انتشار محتواهای مجرمانه موضوع بندهای مذکور)، انتشار مطالب اقتصادی که در مجوز این نشریه نبوده است را مصداق تخلف از بند ب ماده ۷ (انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است) تشخیص داده و آن را در عداد علل توقیف نشریه ۹ دی برشمرده است (بیانیه و رأی صادره توسط هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۳). مورد دیگر، رأی مربوط به توقیف هفته نامه شهروند امروز است که ارتکاب تخلف موضوع بندب ماده ۷ قانون مطبوعات، همچون مورد نشریه ۹ دی، تنها یکی از دلایل چندگانه توقیف به شمار آمده و دلایل اصلی توقیف نشریه به ارتکاب جرائم موضوع بندهای ماده ۶ قانون مذکور مستند شده است؛ در گزارشی که از سوی این هیات در خصوص علل توقیف نشریه شهروند امروز منتشر شده، آمده است: انتشار مطالب این نشریه به گونه‌ای است که اکثر مطالب آن با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است مغایر است و تخلف محسوب می‌گردد (موضوع بند ب ماده ۷) فلذا این هیات به دلیل ارتکاب چنین تخلفی اقدام به توقیف این نشریه می‌نماید. اما ادامه گزارش مزبور بر این معنا تصریح می‌کند که دلایل توقیف نشریه شهروند امروز، منحصر به ارتکاب تخلف موضوع بندب ماده

۷) از موارد توقیف شکلی به علت تخلف از قوانین حاکم بر تأسیس و فعالیت رسانه‌ها) نبوده و مهم‌تر از آن، ارتکاب جرم موضوع بند ۸ ماده ۶ (از موارد توقیف ماهوی ناشی از انتشار محتوای مجرمانه) به‌عنوان دلیل توقیف ذکر گردیده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۴). افزون بر این دو فقره، در یکی از پرونده‌های مربوط به توقیف نشریه ۹ دی، در کنار مستندات توقیف ماهوی/محتوایی به موجب ماده ۶، از جمله مستندات توقیف، تبصره ۳ ماده ۸ که "واگذاری امتیاز نشریه/رسانه به غیر بدون تصویب هیات نظارت بر مطبوعات" را جرم‌انگاری کرده، ذکر شده است که از نوع توقیف صنفی/شکلی است. لیکن استناد به این تبصره برای توقیف، در حالی صورت گرفته که اختیار یا الزام به توقیف در آن تصریح نشده است. با این وجود، از آن جا که توقیف فوری نشریه/رسانه، از لوازم ضروری مقابله با آثار ناشی از ارتکاب جرم واگذاری امتیاز نشریه/رسانه بدون اجازه و تأیید هیات نظارت می‌باشد، می‌توان توقیف بر اساس مفاد تبصره مذکور را موجه تلقی کرد.

از این رو، با ملاحظه مجموع موارد فوق‌الاشاره می‌توان گفت در عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات طی بازه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش، هیچ موردی از "توقیف صرفاً شکلی" مطبوعات/رسانه‌ها وجود ندارد.

۲-۲. توقیف ماهوی مطبوعات/رسانه‌ها

بر اساس ماده ۶ قانون مطبوعات، نشریات/رسانه‌ها جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی آزادند. این ماده اصل را بر آزادی مطبوعات قرار داده است، اما در بندهای متعدد، مواردی را به عنوان حدود رسانه/نشریه مطرح و انتشار آن را جرم تلقی کرده است. از طرفی، تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات، در عموم موارد ممنوعه موضوع ماده ۶ این قانون به استثنای ۲ مورد (بندهای ۳ و ۴) هیات نظارت را مجاز به توقیف رسانه‌ها/مطبوعات دانسته و البته در خصوص این توقیف ماهوی (ناشی از انتشار محتوای مجرمانه و خلاف قانون) هم چون موارد مربوط به توقیف شکلی، هیات مذکور را موظف نموده است به سرعت و ظرف حداکثر یک هفته، پرونده را برای رسیدگی به مرجع قضایی ارسال کند.

عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات طی یک دهه گذشته (از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹) نشان می‌دهد که این هیات علاوه بر حجم وسیع و موارد متعدد اقدام به توقیف مطبوعات/رسانه‌ها در چارچوب صلاحیت تخییری خود، در مواردی نیز خارج از صلاحیت خود و بر خلاف صریح قانون، به استناد تبصره ۲ ماده ۵ قانون مطبوعات (راجع به صلاحیت تخییری مقام قضایی در توقیف رسانه/نشریه به علت تخطی از مصوبات لازم‌الاتباع شورای عالی امنیت ملی) اقدام به توقیف رسانه کرده است که البته چون استناد به مفاد مقررهای مذکور، یگانه دلیل توقیف نبوده و دلایل دیگر توقیف به مفاد بندهای ماده ۶ قانون مطبوعات (که جملگی در چارچوب صلاحیت هیات

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۰۷

نظارت به حساب می‌آید) مستند شده است، از این رو نتیجه نهایی اقدام هیات نظارت در این موارد خاص، خلاف قانون به نظر نمی‌رسد.

ذیلاً آراء صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها طی یک دهه گذشته، دایر بر توقیف مطبوعات/ رسانه‌ها به دلایل ارتکاب جرائم موضوع بندهای ماده ۶ قانون مطبوعات (ناشی از انتشار محتوای مجرمانه) بررسی شده است:

۱. **هفته نامه شهروند امروز:** هیات نظارت بر مطبوعات هفته‌نامه شهروند امروز را به دلیل انتشار مطالبی مخالف با مندرجات بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات توقیف و به دادگاه ارجاع کرده است. بر اساس بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، افترا به مقامات، نهادها و ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند ممنوع است اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد. هیات نظارت بر مطبوعات در مقام بیان علت توقیف این نشریه و تشریح تخلف صورت گرفته از آن بیان نموده که هفته‌نامه شهروند امروز، ماه گذشته (یک ماه قبل از توقیف توسط هیات نظارت) مونتاژ عکسی از محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران را همراه با گروهی از اعضای هیات دولت در لباس‌های دوره صفوی روی جلد خود منتشر کرده بود. همراه با این تصویر، نویسنده شهروند امروز در مطلبی با عنوان "عاقبت حمد محمود" نوشته بود؛ محمود احمدی‌نژاد هفته گذشته حجت را بر همگان تمام کرد. شش سال پس از آن سفر معروف به نیویورک و بازخوانی ماجرای هاله نور، نسب دولت خود را به شاه اسماعیل صفوی نسبت داد و ذکر خیری از شاه صفی‌الدین اردبیلی به میان آورد که او نیز "هاله نوری در رؤیا بر سر خود دیده بود" (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۴).

۲. **هفته‌نامه شهر آفتاب:** هیات نظارت بر مطبوعات، هفته‌نامه شهر آفتاب را به دلیل انتشار مطالب خلاف عفت عمومی و اختلاف بین اقشار و اقوام از طریق طرح مسائل نژادی و قومی، موضوع بند ۲ و ۴ ماده ۶ این قانون، توقیف نموده است. در بند ۲ و ۴ این ماده، اشاعه فحشا و منکرات و انتشار تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی و همچنین ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قانونی ممنوع اعلام گردیده است که در صورت ارتکاب چنین تخلفاتی از سوی رسانه و مطبوعات، با توقیف مواجه خواهد شد (بیانیه و رأی صادره توسط هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۴). در این فقره، استناد هیات نظارت به بند ۴، خلاف نص تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات است. از آن روی که بند مذکور را از موارد مجاز توقیف مطبوعات/رسانه‌ها، استثنا کرده است و هیات می‌توانست به همان بند ۲ به عنوان مستند توقیف بسنده کند.

۳. **نشریه هابیل:** مستند هیات نظارت بر مطبوعات در خصوص تشریح علل توقیف نشریه هابیل، انتشار مقاله‌ای با عنوان "امور جنسیتی" بوده که محتوای آن را مجرمانه دانسته و اقدام به

توقیف این نشریه نموده است. این نشریه در یکی از مطالب منتشر شده به موضوع «ما و جنسیت و امر جنسی» پرداخته بود که همین مساله باعث توقیف این نشریه شده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۸). توقیف هاییل توسط هیات نظارت بر مطبوعات به استناد بند ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات و مستمسک اصلی صدور این حکم، یکی از یادداشت‌های "پاطوق جنسیت و امر جنسی" منتشره در شماره ۵ نشریه (مرداد و شهریور ۱۳۸۹) بوده است (خبرگزاری شفاف، ۱۳۹۰/۱۱/۱۷، کد خبر: ۹۷۳۹۴).

۴. روزنامه شرق: یکی دیگر از مواردی که هیات نظارت بر مطبوعات با استناد به بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، اقدام به توقیف نشریه کرده، روزنامه شرق است. علت توقیف، انتشار کاریکاتوری از هادی حیدری با عنوان چشم‌بندان بوده است. این کاریکاتور که صفی از افراد را در حال چشم‌بند زدن به یکدیگر نشان می‌داد، بنا بر حکم هیات نظارت بر مطبوعات «توهین به رزمندگان اسلام» خوانده شده و علاوه بر توقیف روزنامه، برای مهدی رحمانیان مدیرمسئول این روزنامه نیز قرار بازداشت صادر شده است. در گزارش منتشر شده توسط هیات نظارت آمده است: این کاریکاتور جفایی است بر مردم و رزمندگان اسلام، ما طرفدار آزادی بیان در مطبوعات هستیم اما احساسات، عواطف، اصول و ارزش‌های انسانی را نباید نادیده بگیریم. فردی که اقدام به انتشار این کاریکاتور نموده بود، پس از آنکه با احضار هیات نظارت روبه رو شده بود، در مقام دفاع از اقدام خود اظهار داشته است که مقصود از این طرح، نشان دادن جهل است که عده‌ای در روز روشن در حال بستن چشمان یکدیگرند تا روشنایی آفتاب را نبینند. اما این دفاعیه از سوی هیات نظارت مورد قبول واقع نشده و این هیات پس از توقیف این روزنامه، پرونده را جهت رسیدگی به مراجع قضایی صالح ارسال نموده است (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۱/۰۷/۰۶، کد خبر: ۲۷۵۱۴۷). جلسه رسیدگی به اتهامات روزنامه شرق در خصوص انتشار کاریکاتور توهین‌آمیز، روز یکشنبه ۳ دی ۱۳۹۱ بصورت علنی و با حضور هیات منصفه در دادگاه مطبوعات برگزار شد که این هیات پس از مشورت، روزنامه شرق را در خصوص دو اتهام توهین به رزمندگان و نشر مطالب خلاف واقع مجرم شناخته و دادگاه نیز با استناد به گزارش صادره و به تبع از رأی هیات مذکور، روزنامه شرق را از این دو اتهام و تخلف تبرئه نمود (سایت خبری جهان نیوز، ۱۳۹۱/۰۷/۰۵، کد مطلب: ۲۴۶۶۹۹).

۵. روزنامه مغرب: هیات نظارت بر مطبوعات به دلیل آنچه که نقض حدود قانونی مقرر در ماده ۶ قانون مطبوعات عنوان شده بود، اقدام به توقیف روزنامه مغرب نمود. علتی که در خصوص توقیف این نشریه عنوان شده، نوشتن مطلبی با تیتراژ "ادب مرد به ز دولت اوست" توسط علیرضا آقایی‌راد دبیر سیاسی این روزنامه بود که در شماره دهم روزنامه به چاپ رسید. این روزنامه هم چنین اقدام به انتشار کاریکاتور توهین‌آمیز و موهنی از رئیس‌جمهور وقت (احمدی نژاد) نموده و لذا هیات نظارت بر مطبوعات در مجموع مطالب و محتویات پیش گفته را مصادیق بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۰۹

تشخیص داده و نسبت به توقیف روزنامه مغرب اقدام کرده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱).

۶. نشریه رمز عبور: هیات نظارت بر مطبوعات بر اساس بندهای ۲ و ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، اقدام به توقیف نشریه رمز عبور نموده و پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال ارجاع داده است. در آخرین شماره منتشر شده از سوی این هفته‌نامه عکس میرحسین موسوی از رهبران معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران با تیتر " ناگفته‌های حصر" چاپ شده بود که در آن به موضوعاتی چون فتنه، حصر، مذاکرات هسته‌ای، ماهواره امید، ترور شاپور بختیار، اصلاح‌طلبانی که از ایران رفتند، جشنواره عمار، تاریخ دفاع مقدس، تحولات منطقه و گروهک تروریستی داعش، پرداخته شده بود. انتشار آخرین مطالب صورت گرفته از سوی این هفته‌نامه بیشتر در مقام اظهار نظر نسبت به مسئولان و مقامات کشور بوده و گاه نیز همراه با افترا و توهین به این اشخاص همراه بوده است و سعی داشته است که به مسائلی همچون اعتراضات سال ۸۸، از قبیل مواردی با عنوان ناگفته‌های حصر بپردازد (روزنامه ایران، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷، کدمطلب: ۵۸۶۸). از آن جا که این تخلفات بیشتر در قالب بند ۸ ماده ۶ می‌گنجد تا بند ۲، محتمل است که اشتباهی در مرحله کتابت یا تایپ متن رأی صورت گرفته باشد.

۷. روزنامه بهار: از دیگر آراء و پرونده‌های مربوط به توقیف ماهوی یا محتوایی رسانه‌ها توسط نظارت بر مطبوعات، می‌توان به دو بار توقیف روزنامه بهار اشاره نمود. بار اول، روزنامه بهار در آبان ۱۳۹۲ مستند به بندهای ۱، ۴ و ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات، از سوی هیات نظارت، توقیف شده است. در بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند، جرم تلقی گردیده است. هم چنین در بند ۴ این ماده، ایجاد اختلاف ما بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی ممنوع شده و در بند ۷ قانون مذکور نیز، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید، جرم انگاری شده است. روزنامه بهار در یکم آبان سال ۹۲ طی مقاله‌ای با عنوان "امام پیشوای سیاسی یا الگوی ایمانی" با زیر سؤال بردن واقعه غدیر خم به عنوان روز تعیین علی ابن ابیطالب (ع) به عنوان جانشین پیامبر اسلام نوشته بود: کلمات امام اول شیعیان در کتاب نهج‌البلاغه آشکارا بیان‌گر این حقیقت است که خلافت امری انتصابی از جانب خداوند نیست (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۶). انتشار این مقاله با واکنش تند برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه کیهان روبرو شد (روزنامه کیهان، ۱۳۹۲/۰۸/۰۶، کد مطلب: ۲۰۶۲۶). مسئولان روزنامه بهار بلافاصله اعلام کردند که چاپ این مطلب به دلیل یک خطای فنی بوده و در چند رسانه نسبت به انتشار آن عذرخواهی نموده‌اند. علی اصغر غروی نویسنده این مقاله نیز بیان نمود که امام علی علیه‌السلام خود در جای جای نهج‌البلاغه بر این نکته تاکید

می‌نهد که حکومت از طریق بیعت و رأی در اختیار حاکم قرار می‌گیرد. در اعتراض به انتشار این مقاله، ۲۱ نماینده مجلس به وزیر ارشاد تذکر دادند و مقاله را موهن خواندند (روزنامه شرق، ۱۳۹۲/۰۸/۰۷، کد مطلب: ۱۸۶۸). در رأی هیات نظارت، استناد به بندهای ۱ و ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات تا حدودی موجه به نظر می‌رسد اما معلوم نیست محتوای مطالب منتشره به نحوی که اشاره شد، چگونه از مصادیق بند ۴ ماده مذکور تشخیص داده شده، ضمن آن که اساساً بند مذکور به تصریح تبصره ماده ۱۲ قانون از موارد مجاز توقیف استثنا شده است و هیات نظارت نمی‌تواند بند ۴ را مستند توقیف قرار بدهد. دومین توقیف روزنامه بهار در بازه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش، مربوط است به آذرماه ۱۳۹۷ که هیات نظارت، انتشار عکس صفحه اول این روزنامه همراه با تیتر "ای کاش اسلام را می‌فهمیدید" را مصداق اهانت به رهبری تشخیص داده و به استناد بند ۷ ماده ۶ که اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید را ممنوع کرده، حکم به توقیف نشریه مذکور داده است، لیکن در ابتکاری کم‌نظیر و با هدف جلوگیری از انعکاس و ترویج بیشتر تخلف، به صاحب امتیاز روزنامه پیشنهاد کرده که به صورت اختیاری انتشار روزنامه را تا اطلاع ثانوی متوقف کند تا نیازی به ابلاغ رأی توقیف نباشد! (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۶).

۸. نشریه ۹ دی: هیات نظارت بر مطبوعات حداقل سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ چهار بار اقدام به توقیف نشریه ۹ دی کرده است! نخست؛ در خردادماه ۱۳۹۰ که توقیف نشریه به استناد بند ۸ ماده ۶ (به علت انتشار کاریکاتوری از سید محمدخاتمی رئیس‌جمهور سابق) و نیز تبصره ۳ ماده ۸ صورت گرفته است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲۳). توقیف نشریه/رسانه به موجب ارتکاب جرم موضوع تبصره ۳ ماده ۸ که واگذاری امتیاز نشریه/رسانه به غیر بدون تصویب هیات نظارت بر مطبوعات را جرم‌انگاری کرده، از نوع توقیف صنفی/شکلی است که حسب قواعد قانون نویسی، می‌باید در ردیف دیگر موارد این نوع توقیف، در ماده ۷ قانون مذکور ذکر می‌شد. لیکن نه تنها در جای خود (ماده ۷) بیان نشده، بلکه اساساً اختیار یا الزام به توقیف حتی در همان تبصره ۳ ماده ۸ نیز تصریح نشده است. با این وجود، از آن جا که توقیف فوری نشریه/رسانه، از لوازم ضروری مقابله با آثار ناشی از ارتکاب جرم واگذاری امتیاز نشریه/رسانه بدون اجازه و تأیید هیات نظارت می‌باشد، می‌توان توقیف بر اساس مفاد تبصره مذکور را موجه تلقی کرد. ضمن آن که توقیف نشریه ۹ دی در این فقره، علاوه بر استناد به تبصره ۳ ماده ۸، به مفاد موضوع بند ۸ ماده ۶ نیز مستند شده است و از این رو، حتی در صورت موجه نبودن توقیف به استناد به تبصره ۳ ماده ۸، النهایه خروجی اقدام هیات نظارت در توقیف نشریه، با استناد صرف به بند ۸ ماده ۶ موجه می‌شود. دومین توقیف نشریه ۹ دی از سوی هیات نظارت، در اسفند ۱۳۹۲ به استناد تبصره ۲ ماده ۵ و هکذا بند ۸ ماده ۶ صورت گرفته است. در بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۱۱

شد، توهین و افترا به مقامات و اشخاص حقیقی و حقوقی جرم مطبوعاتی محسوب گردیده است و هم چون دیگر مواردی که بند مذکور مستند توقیف نشریه بوده است می‌توان در این جا نیز مستند توقیف را موجه تلقی کرد. اما استناد هیات نظارت به تبصره ۲ ماده ۵ قانون مطبوعات، از نظر قانونی کاملاً غیر موجه است. زیرا تبصره مذکور که مصوبات شورای عالی امنیت ملی را برای مطبوعات لازم‌الاتباع می‌داند، توقیف را در صورت تخلف مطبوعات/رسانه‌ها از مصوبات شورای عالی امنیت ملی، صرفاً برای مرجع قضایی (دادگاه) اجازه داده است که می‌تواند نشریه/رسانه متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت در دادگاه رسیدگی نماید. هیات نظارت در ذیل استناد غیرقانونی خود به تبصره ۲ ماده ۵ قانون مطبوعات، درج برخی مطالب و عناوین از جمله: اخراج دانشمندان هسته‌ای/ تغییر سه هزارمدیر دولتی فقط در ۶ ماه/ دولت امنیتی‌ها و بی‌تدبیری امنیتی/ زاویه نگاه مسئولین سیاست خارجی با نگاه رهبر انقلاب متفاوت است را مطرح کرده و از جمله آورده است: نشریه ۹ دی با توصیف توافق‌نامه اتمی ایران و گروه ۵+۱ به "جام زهر" نوشته بود که این توافق‌نامه "باخت" جمهوری اسلامی در برابر غرب بوده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹). توقیف سوم نشریه ۹ دی نیز مربوط است به تصمیم مردادماه ۱۳۹۴ که هم چون توقیف بار دوم، تبصره ۲ ماده ۵ و بند ۸ ماده ۶ مستند هیات نظارت بر مطبوعات در این اقدام بوده است و انتشار ۱۲ مطلب در تعدادی از شمارگان نشریه مذکور در خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۴، مصادیق جرائم موضوع مفاد دو مقرر مذکور تلقی شده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۲). روشن است که استناد هیات نظارت بر مطبوعات به تبصره ۲ ماده ۵ در این دو فقره از توقیف نشریه ۹ دی، برخلاف صریح قانون و مآلاً خروج از صلاحیت قانونی این هیات است. مضافاً این که اساساً آن چه در پرونده مذکور مورد استناد هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها و احیاناً در موارد مشابه دیگر مورد استناد دادگاه در توقیف و تعقیب رسانه‌ها قرار گرفته و یا می‌گیرد، نه مصوبه شورای عالی امنیت ملی، بلکه حسب اخبار منتشره در جرایم، تصمیمات کمیته‌های تخصصی فرعی مرتبط با شورای عالی امنیت ملی است که از طریق دبیرخانه شورا ابلاغ شده و از این رو فاقد اعتبار احکام و مصوبات شورای مذکور می‌باشد و بنا بر اصل تفسیر مضیق، نمی‌تواند مستند اعمال محدودیت یا مجازات علیه مطبوعات یا رسانه‌ها قرار بگیرد. با این وجود، از آن جا که توقیف دوم و سوم نشریه ۹ دی به غیر از استناد به تبصره ۲ ماده ۵، هم چون توقیف بار اول به مفاد موضوع بند ۸ ماده ۶ نیز مستند شده، النهایه خروجی اقدام هیات نظارت در توقیف نشریه، خلاف قانون نبوده است و بالاخره چهارمین توقیف نشریه ۹ دی از سوی هیات نظارت بر مطبوعات، در خردادماه ۱۳۹۵ به استناد تبصره ۲ ماده ۵ و نیز بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ انجام شده است که هم چون سه فقره قبلی، انتشار مطالب مصداق جرائم موضوع بند ۸ ماده ۶ (توهین و افترا به مقامات و اشخاص حقیقی و حقوقی) و مانند فقرات دوم و سوم، تخطی از

مصوبات شورای عالی امنیت ملی (تبصره ۲ ماده ۵) از جمله دلایل توقیف بوده و لیکن این بار، ارتکاب جرم موضوع بند ۱۱ ماده ۸ (پخش شایعات، انتشار مطالب خلاف واقع و تحریف مطالب دیگران) نیز به مستندات مذکور در موارد قبلی، علاوه شده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۰). با توجه به موجه بودن استناد به بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ از یک سو و صدق استدلال پژوهش حاضر در فقرات دوم و سوم راجع به تبصره ۲ ماده ۵ بر این فقره از سوی دیگر، النهایه توقیف چهارم نشریه ۹ دی در چارچوب صلاحیت قانونی هیئت نظارت بر مطبوعات ارزیابی می‌شود.

۹. نشریه زنان امروز: هیات نظارت بر مطبوعات، نشریه زنان امروز را به دلیل ترویج ازدواج سفید که مغایر با ارزش‌های دینی و ملی و مصداق ترویج ناپهنجاری است، مستند به بند ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات، توقیف نمود (بیانیه و رأی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۷). بند ۲ ماده ۶ این قانون، اشاعه فحشا و منکرات و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی از سوی نشریات را جرم محسوب کرده و هیات نظارت بر مطبوعات می‌تواند در این مورد اقدام به توقیف نشریه/ رسانه نماید. در واکنش به این تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات، مدیرمسئول این نشریه عنوان کرد: این نشریه در پی ترویج و توجیه ازدواج سفید نبود و این موضوع را نیز نقد کرده است. مدیر مسئول این ماهنامه پیرو تصمیم این هیات بیان داشت: اولین بار بحث ازدواج سفید را خود وزارت کشور اعلام کرد. اگر قرار نبود این مسئله رواج پیدا کند پس چرا مطرح کردند؟ وی بیان داشت، تشریح این موضوع کاملاً بی‌طرفانه بود و در بخشی از گزارش هم از زبان کسانی که در این حوزه به این مشکل برخوردند مصاحبه گرفته و در نتیجه گفته‌ایم که در چنین ضابطه‌هایی، حقوق زنان تضعیف می‌شود. وی تأکید کرد در پی ترویج نبودیم، توجیه نکردیم، بلکه نقد هم کردیم (سایت خبری عصر ایران، ۱۳۹۴/۰۲/۰۷، کد مطلب: ۳۹۳۴۴۸). ماهنامه زنان امروز در طول انتشار خود به دلیل چاپ مطالب انتقادی و به چالش کشاندن قوانین مربوط به زنان، از سوی طیف‌های موسوم به اصول‌گرا مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت (پایگاه خبری ایران اکونومیست، ۱۳۹۴/۰۲/۰۷، کد خبر: ۷۶۹۱۶).

۱۰. روزنامه جهان صنعت: هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها در یکی دیگر از آرا و پرونده‌های منتشره خود در خصوص توقیف رسانه و نشریات بر اساس ماده ۶ قانون مطبوعات، اقدام به توقیف روزنامه جهان صنعت نموده است. در گزارشی که از سوی این هیات در مورد تخلفات این روزنامه منتشر شده، آمده است: هیات نظارت به دلیل تخلف روزنامه جهان صنعت از حدود مطبوعات، بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات که در آن پخش شایعات و مطالب خلاف واقع را ممنوع اعلام نموده است، اقدام به توقیف این نشریه می‌نماید. این هیات ضمن بررسی و کارشناسی‌های صورت گرفته و با عنایت به اصرار بر تخلف و تکرار و استمرار در جرم شایعات و مطالب خلاف واقع در ماه‌های گذشته که منجر به تشویش اذهان و افکار عمومی شده است و همچنین با وجود ابلاغ

توقیف اداری رسانه در حقوق ایران در پرتو آراء و عملکرد هیات نظارت بر مطبوعات و ... ۱۱۳

توصیه‌ها و تذکرات مکرر شفاهی و کتبی مبنی بر عدم رعایت مصالح عمومی که با عدم توجه این نشریه همراه بوده است، ضمن توقیف این روزنامه، پرونده آن را جهت رسیدگی قانونی به مراجع قضایی ارسال می‌نماید (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۰). جعل در هویت رسمی منبع خبر و معرفی دروغین او به عنوان عضو ستاد ملی مقابله با کرونا، اعلام آمار نجومی سیصد و بیست هزار کشته کرونا در ایران و سبقت گرفتن از رسانه‌های معاند در سلب اعتماد افکار عمومی از وزارت بهداشت، به‌عنوان خط مقدم مقابله با کرونا، زیر سؤال بردن اقدامات کادر بهداشت در تشخیص و پیشگیری و مقابله با کرونا و ارائه اطلاعات کاملاً جعلی و خلاف واقع بدون مدرک و سند، مهم‌ترین دلیل تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات به توقیف روزنامه جهان صنعت، بوده است (سایت خبری جهان نیوز، ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، کد مطلب: ۷۳۶۵۵۷).

۱۱. نشریه گزارش: هیات نظارت در شهریور ماه ۱۳۹۴ ماهنامه گزارش را به علت درج مطلبی باعنوان "در دین برابری و حقوق شهروندی نداریم" و به استناد بندهای ۷ و ۱۲ ماده ۶ توقیف کرده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۳۰). بند ۷ راجع است به ممنوعیت اهانت به دین اسلام و بند ۱۲ انتشار مطالب علیه قانون اساسی را ممنوع کرده است. در مطلب نشریه گزارش، نابرابری انسان‌ها در دین و انعکاس آن در قانون اساسی مورد ادعا قرار گرفته بود.

۱۲. نشریه یا لئارات الحسین: دی ماه ۱۳۹۲ هیات نظارت به استناد بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ نشریه یالئارات الحسین را توقیف کرده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۶). گزارش دبیرخانه هیات نظارت بر مطبوعات از رأی این هیات، فاقد هرگونه توضیح راجع به محتوای منتشره در نشریه مذکور است.

۱۳. پایگاه‌های خبری چی چست خبر و پول پرس: هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه ۱۷ تیرماه ۱۳۹۸، دو پایگاه خبری اینترنتی با عناوین چی چست خبر و پول پرس را به استناد بند ۴ ماده ۶ توقیف کرده است. در گزارش دبیرخانه این هیات توضیحی راجع به محتوای منتشره در این دو سایت خبری نیامده، اما توضیح داده شده که تصمیم به توقیف این سایت‌ها پس از استعلام از مراجع امنیتی، اتخاذ گردیده و درخصوص پایگاه پول پرس تصریح شده که یک روز قبل از تصمیم هیات نظارت، مرجع قضایی اقدام به توقیف رسانه مذکور کرده است (بیانیه و رأی صادره از سوی هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۷). بند ۴ ماده ۶ که ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی را منع کرده است، حسب تصریح تبصره ماده ۱۲ از شمول موارد مجاز توقیف استثنا شده و از این رو استناد به آن برای توقیف نشریه/رسانه، فاقد وجهت قانونی است؛ اگرچه باتوجه به تبعات شدیدتر اخلال در نظم و امنیت عمومی به‌واسطه طرح مسائل اختلاف برانگیز قومی و نژادی، اقدام مقنن در مستثنا کردن آن از شمول توقیف، عجیب به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری، انتقاد و پیشنهاد

توقیف اداری (غیرقضایی) رسانه در نظام‌های حقوقی دنیا، امری پذیرفته شده اما نادر و استثنایی است و جز در موارد بسیار محدود ممنوع است. در حقوق ایران اما مقنن با اعطای اختیار گسترده به نهاد کنترل کننده رسانه‌ها (هیات نظارت بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها)، امکان جابه جایی اصل و استثناء را به نحوی غیرقابل دفاع فراهم آورده و اصل آزادی انتشار مطبوعات/رسانه‌ها را با تحدید و تهدید جدی مواجه ساخته است؛ از آن روی که هیات نظارت می‌تواند به مجرد ایراد اتهام ارتکاب هریک از عناوین جرم‌انگاری شده در قانون مطبوعات، بی‌درنگ فعالیت مطبوعات/رسانه‌ها را متوقف کند بی آن که تخلفی ثابت، و حتی دفاعیات مدیر مسئول یا نویسنده استماع و اخذ شده باشد و در این موضع، هیات نظارت تا آنجا پیش رفته که در پاره‌ای موارد حتی بدون تشکیل جلسه و صرفاً از طریق تماس تلفنی با اعضا و اخذ آراء آنان نسبت به توقیف فوری رسانه اتخاذ تصمیم کرده است. این در حالی است که قانونگذار به هیچ‌وجه و در هیچ موردی از موارد و مواضع اتهام مطبوعات/رسانه‌ها به ارتکاب تخلف یا جرم، هیات نظارت را مکلف به توقیف نکرده و به اعطای اختیار توقیف بسنده کرده است. مع‌الوصف، بررسی عملکرد هیات نظارت در بازه زمانی ده‌ساله مورد مطالعه در این پژوهش (سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)، قریب ۲۰ مورد توقیف نشریه/رسانه را نشان می‌دهد که بر استفاده گسترده از اختیار مذکور دلالت می‌کند. حال آن که وفق صلاحیت تخییری خود به موجب تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات، می‌توانست در جهت تقویت اصل آزادی انتشار رسانه، از این اختیار قانونی خود استفاده نکند و با ارسال پرونده به مراجع قضایی، تشخیص لزوم توقیف رسانه را به مراجع مذکور واگذارد.

با امان‌نظر به معانی پیش گفته، اصلاح قانون مطبوعات و خبرگزاری‌ها در موارد زیر توصیه می‌شود:

۱. تفکیک تخلفات صنفی/شکلی از جرائم محتوایی/ماهوی مطبوعات/رسانه‌ها و اعطای صلاحیت عام به مراجع قضایی در تعقیب جرائم مطبوعاتی و آثار آن (از جمله جواز توقیف) در کنار اعطای صلاحیت استثنایی و بسیار محدود توقیف اداری در موارد آسیب احتمالی عاجل به نظم و امنیت عمومی.
۲. اصلاح ترکیب هیات نظارت بر مطبوعات در جهت مدنی‌تر شدن آن و کاهش نقش دولت به‌منظور جلوگیری از اعمال نفوذ دولت در رسانه‌ها (سانسور پنهان).
۳. پیش‌بینی و تقویت امکانات نظارتی جایگزین توقیف از قبیل اخطار، جریمه نقدی، تذکر کتبی یا شفاهی و یا حتی تغییر مدیر مسئول.
۴. تعیین موعد و زمان محدود برای توقیف فوری و اضطراری رسانه و ضمانت اجرای مؤثر در لغو توقیف در صورت عدم اتخاذ تصمیم قضایی در موعد قانونی.

فهرست منابع

کتاب

- انصاری، باقر (۱۳۹۶). حقوق رسانه، تهران: سمت، چاپ هفتم،
انصاری، باقر (۱۳۸۷). آزادی اطلاعات، تهران: دادگستر.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.
رحمانی، قدرت الله (۱۳۹۱). نظریه یگانگی جرائم سیاسی و مطبوعاتی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه.
معمدنژاد، کاظم، معتمدنژاد، رؤیا (۱۳۸۸). حقوق ارتباطات، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.
معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۹). حقوق مطبوعات، بررسی تطبیقی آزادی مطبوعات، مقررات تأسیس و انتشار آنها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، چاپ ۱.

مقالات

- معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۷). «ارکان حقوقی آزادی مطبوعات»، رسانه، تابستان ۳۴
معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰). «تحولات میانی حقوقی آزادی رسانه‌ها در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق، ویژه نامه حقوق ارتباطات، شماره ۳۵.
میادورنات (۱۳۸۰). «آزادی بیان و آزادی اطلاعات یک حق انسانی است»، ترجمه؛ حدادیان مقدم، اسماعیل، فصلنامه رانه، بهار.

قوانین و مقررات

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.
قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ همراه با الحاقات و الصاقات.
قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸.
آیین نامه اجرایی جدید قانون مطبوعات، مصوب شهریور ۱۳۹۵.

سایر منابع

- پایگاه خبری ایران اکونومیست، ۱۳۹۴/۰۲/۰۷، کد خبر: ۷۶۹۱۶
- خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۱/۰۷/۰۶، کد خبر: ۲۷۵۱۴۷
- خبرگزاری شفاف، ۱۳۹۰/۱۱/۱۷، کد خبر: ۹۷۳۹۴
- روزنامه ایران، ۲۷/۱۱/۱۳۹۳، کد مطلب: ۵۸۶۸
- روزنامه شرق، ۱۳۹۲/۰۸/۰۷، کد مطلب: ۱۸۶۸
- روزنامه کیهان، ۱۳۹۲/۰۸/۰۶، کد مطلب: ۲۰۶۲۶
- سایت خبری جهان نیوز، ۱۳۹۱/۰۷/۰۵، کد مطلب: ۲۴۶۶۹۹
- سایت خبری جهان نیوز، ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، کد مطلب: ۷۳۶۵۵۷
- سایت خبری عصر ایران، ۱۳۹۴/۰۲/۰۷، کد مطلب: ۳۹۳۴۴۸
- معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آراء صادره از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات در خصوص توقیف رسانه‌ها، (۱۳۹۰-۱۳۹۷)